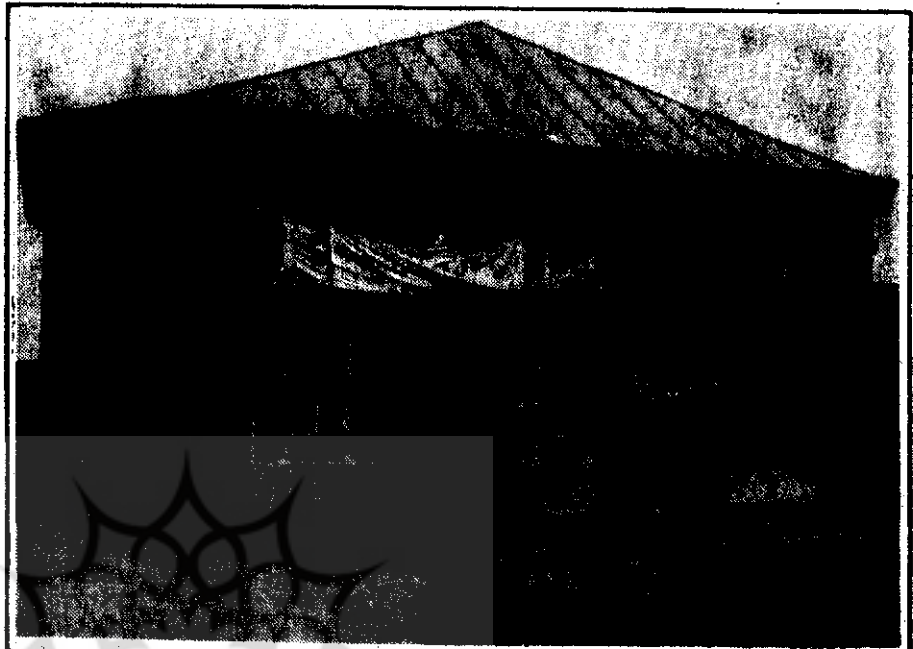


جهاد، فقر فرهنگی، اقتصادی روستائیان، اضمحلال ضد انقلاب

* زدودن فقر فرهنگی اقتصادی روستائیان بارسنگینی بردوش جهادسازندگی قرار میدهد چرا که جهادگران از نزدیک با روستاها در تماس بوده و اعتماد و دل بستگی ویژه ای بین روستائیان و جهاد وجود دارد.

* فطرت خداجویی روستائیان، بزرگترین ذخیره و امید جمهوری اسلامی است. * روستائیانی داریم که بدلیل فقدان امکانات بهداشتی و راه شوسه، بچه هایشان جلوی چشماتشان تلف میشوند.

* علاوه بر مشکلات سیاسی و امنیتی و پرسنلی، مشکلاتی در زمینه کمبود امکانات و خودرو داریم. تاکنون واحدشوراهای اسلامی روستایی حتی یکدستگاه ماشین برای سرکشی به شوراهای نداشته است.



نمای یک مسجد روستایی، کار جهادسازندگی ارومیه

بسمه تعالی

* مقدمه

استان اذربایجان غربی در شمال غربی مهن اسلامی به دلیل شرایط خاص جغرافیایی از مشخصات ویژه ای برخوردار است. همجواری استان با سه کشور همسایه و مزاحمتهای صدافلات در جنوب این استان و نیز آثار شوم ستم ناهمی مجموعاً شرایط ویژه ای را برای منطقه وجود آورده اند که برای رفع نارساییهایش باید

تلاش فوق العاده ای صورت گیرد. جهادگران اینارگر این استان از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون همگام با سایر اقشار امت شهیدپرور گامهای بلندی در حل مشکلات منطقه برداشته اند. گزارش زیر ماحصل مصاحبه ای است که با اعضای شورای مرکزی و بعضی مسئولین جهادسازندگی استان صورت گرفته، و از نظر خوانندگان می گذرد.

* وضعیت کلی استان

رئیس فلاح عضو شورای مرکزی جهادسازندگی استان در مورد وضعیت کلی روستاهای استان اظهار میفرماید:
بسم الله الرحمن الرحیم، با سلام به امام امت و امت امام و ارزوی پیروزی رزمندگان اسلام، استان اذربایجان غربی استانی است که از لحاظ

مسائل فرهنگی و اقتصادی و سیاسی شاهد کمبودهای بسیار است. با توجه به ابعاد شمال - بزرگتر و شرق - ارسالغربی با ترکیه، از غرب با رژیم کافر بعث عراق همسایه است، و خود این موقعیت، مسأله ای است بسیار حساس. از نظر اقتصادی جزء محرومترین استانهای کشور است و تعداد روستاهای آن از مرز ۲۲۰۰ روستا افزون تر است.

مشخصه اصلی روستاهای این استان، فقر اقتصادی، فرهنگی است. ما روستاهایی داریم که

جهاد

بخصوص در مناطقی چون «ابادیر»، «سیاه چشمه» و مناطق غرب ماکو که تاکنون راه روستایی نداشته‌اند و با الاغ و قاطر رفت و آمد میکنند و روستاهایی داریم که شاید رنگ ماشین را ندیده باشند و همانطور که گفتیم فقر از نشانه‌های بارز روستاهای ماست. متناسب با این فقر، به فرهنگ هم به همان اندازه بها داده شده بخصوص فرهنگ غنی اسلام، و اصولاً تبلیغ در روستاها کمتر انجام میگیرد.

این مسأله مسئولیت بسیار سنگینی را بر دوش جهادسازندگی قرار میدهد، زیرا اولاً ضمن تماس نزدیک با روستائیان، بیشترین فعالیت را در روستاهای محروم استان انجام داده است و ثانیاً بیشترین اعتماد و دلچسپی را روستائیان به جهادسازندگی احساس میکنند.

از نظر امکانات نیز روستائیان ما، امکاناتی که در شان یک روستای کشور جمهوری اسلامی باشد، ندارند و از امکانات رفاهی و زندگانی محروم هستند و جهادنهايت سعی خود را مبذول داشته که این امکانات را توسعه داده و استعدادهاي روستائیان را شکوفا کند. در مورد استعداد روستائیان باید گفت که علیرغم محرومیت اینان از دسترسی به حداقل امکانات، فطرت خداجویی روستائیان سالم مانده و این بزرگترین ذخیره و امید جمهوری اسلامی است چرا که باصرف کمترین امکانات، تمام این استعدادها شکوفا شده و در خط صحیح سازندگی بکار گرفته میشوند.

* مشکلات و نارسائیهای استان:

برادر سعادت عضو دیگر شورای مرکزی جهاد استان در مورد مشکلات و نارسائیهای موجود در روستاهای استان و تأثیر فعالیتهای ۴ ساله جهادسازندگی و وضعیت آینده روستاها اظهار داشت:

بسم الله الرحمن الرحيم، با درود بر امام امت و روستائیان عزیز، جهادسازندگی در این استان به امر امام و تلاش برادران مؤمن تشکیل شد. در اوایل با امکانات خیلی محدود کار های خارق العاده ای بانجام رسید در حالیکه عشق و ایثار مردم به افزایش توان اجرایی آنها کمک میکرد. جهادسازندگی استان از سال ۵۹ در رابطه با جنگ تحمیلی هم فعالیت مستمر داشته است. متأسفانه باینکه خدمات جهادسازندگی، ریزه ریزه است و همیشه از جهاد تعریف میکنند ولی در عمل کمتر اقدامی مثبت

جهاد

و پیگیر در جهت تقویتش صورت گرفته است. مثلاً بلامتکلیفی جهاد در رابطه با اساسنامه و مسابلی که در مجلس می گذرد موجب شده بعضی از بچه های جهادگر به سرنوشت این نهاد انقلاب که در متن مردم قرار دارد، نگران باشند. مشکلات عمده ما هم فعلاً در این قسمت است که نیروی انسانی ما، خیلی ساده از دست میروند.

در رابطه با مشکلات روستائیان، این استان

جنگلها و مراتع وزمینهای زراعی و قابل کشت و مقدار آبی که در این استان بهر میروود را بطور خلاصه ارائه دهیم. واضح است که این استان نه تنها میتواند خود این استان بلکه استانهای دیگر را جوابگو باشد.

مثلاً این استان ۲۱۳۹۲۸ هکتار زمین دیم و ۲۴۰۹۳۱ هکتار زمین آبی و ۱۸۸۵۲۱ هکتار مرتع دارد ولی مشکل ما اینست که از آب و زمین که



آب بندجورس، قره خسیاء الدین بر روی رودخانه اغجای

* در زمینه ایجاد آب بندهای انحرافی، جهاد آذربایجان غربی در سطح ایران جلوتر از دیگران بوده است.

* اقدامات جهاد سازندگی کمر ضد انقلاب را شکسته و پایگاه اجتماعی آنان را از بین می برد.

مهمترین و اساسی ترین موهبتهای خدا دادی است بعلت نداشتن امکانات نمیتوانیم استفاده مطلوب ببریم. حالا چه خود جهاد باشد یا ادارات این استان باشند. مشکل روستایی هم این است که از آبی که در زمین است نمیتواند استفاده کند و اگر امکانات کافی داشته باشند میتوانند تمام مشکلات را حل کنند. برای مثال مایک نمونه از مشکلاتی را که بقیه در صفحه ۵۷

باتوجه به موقعیت جغرافیایی که دارد از مرکز حدود ۱۰۰۰ کیلومتر فاصله دارد و به همان نسبت از الطاف مرکز محروم است. به لحاظ پراکندگی شهرها و روستاهای استان و کوهستانی و ناامن بودن منطقه، از لحاظ نقل و انتقالات با مشکلاتی مواجه هستیم. به همین نسبت روستائیان هم مشکلاتی دارند. عمده ترین مشکلاتی که هست، بلا استفاده ماندن موهبتهای الهی استان است. ما اگر آمار

جهاد، فقر فرهنگی.....

در رابطه با راهپااست عرض میکنیم وضعیت راهها در این استان اسفبار است «راه قدس» که قرار است در قسمت جنوبی استان یعنی کردستان و مهاباد و مناطق کردشین احداث بشود. کوشش کوچکی در راه برطرف کردن این مشکل است

احداث راههای مناسب در این استان با توجه به موقعیت کوهستانی مناطق مرزی و حاکمیت ضدانقلاب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است برای نمونه سال گذشته در جهادسازی «سیاه چشمه» راننده بلدوزری (که مشغول کار کردن مسیری بود) تعریف میکرد که یک خانسی را با قاطر داشتند می آوردند بعد که نزد ما رسید از قرار، این خانم حامله بوده و چون وقتش گذشته بود در همانجا فوت میکند. این راننده گریه میکرد که چگونه در این مملکت این همه امکانات ریخته است و ما نمیتوانیم نیازهای اولیه روستائیان را برطرف سازیم؟ یا سال گذشته در «اواجیک» (نام دهی در مرز ترکیه) بچه‌ها مشغول راهسازی بودند، در بین راه یک روستایی که فعالیت جهاد را دیده بود، به گفته خودش به روستا رو آورده بود تا به کار کشاورزی اش بپردازد و این یکی از موفقیتهای راهسازی ما در آن منطقه بود.

روستائیان در زمینه بهداشت نیز محروم هستند. وزارت بهداشتی به هیچ وجه در مناطق روستایی فعالیتی چشمگیر نداشته است و خیلی محدود فعالیت میکند. در مناطقی که دورافتاده و محروم هستند، طبعاً بیماران می میرند و بچه‌ها نیز از بین می روند. ما روستائینی داریم که بچه‌هایشان جلوی چشمشان تلف می شوند به این دلیل که امکانات بهداشتی نداشته و راه مناسب نیز وجود ندارد که به شهر بیایند.

بد نیست این نکته را یاد آوری کنم که کمیته بهداشت جهاد، در یکی از روستاها دوفراز فرزندان یک «دمکرات» را بدون اینکه بدانند پدرانشان از افراد مسلح ضدانقلاب است، معالجه میکنند. بعد از معالجه وقتی پدر بچه‌ها از جریان مداوا شدن فرزندان با اطلاع میشود خود را به سپاه معرفی میکند و اینطور اظهار میدارد که «دیگر من چه میخواهم این بزرگترین خودمختاری است». اینها مواردی است که ما نمیتوانیم فعالیتهای جهاد را نادیده بگیریم و جای تعجب است که بعضی از مسئولین در اظهارات و مصاحبه‌هایشان از

جهاد تقدیر می کنند ولی به اهمیت تسریع امر تصویب اساسنامه جهاد توجه ندارند. ما از برخی مسئولان گلایه داریم، چرا که در قبال این همه فعالیتهایی که جهادگران انجام داده و میدهند، یک مراکز خدماتی بوجود می آورند که این مراکز جوشیده از این انقلاب نیست و باعث عدم هماهنگی شده است.

مسئله دیگری که لازم است ذکر کنیم مشکلات خود جهاد این استان است علاوه بر مشکلات سیاسی و امنیتی و پرسنلی (نیروی انسانی)، یکسری مشکلاتی در رابطه با امکانات جهاد داریم، کمبود خودرو یکی از این مسایل است.

* با ایجاد گروههای سیار

دامپزشک توسط جهاد از

مهاجرت روستائینی که

دامهایشان را به ترکیه منتقل

میکردند جلوگیری بعمل آمد.

این استان با وجود کوهستانی بودن و اینکه بعضی از خوروهایش را ضدانقلابیون می برند، اصولاً دچار کمبود خودرو است. مثلاً تاکنون واحد شوراهای اسلامی روستایی حتی یک دستگاه ماشین ندارند تا به وسیله آن به روستاها سرکشی کنند، لذا یا با ماشینهای دیگران و بعضی اوقات با موتور و مینی بوس یا اتوبوس به روستاها میروند. با در نظر گرفتن وسعت راههای استان و این هدف که میخواهند شوراها از کیفیت مطلوب برخوردار بوده و عناصر ناصالح در آنها رخنه نکنند لازم است که مرتباً به روستاها سر بزنند، بدلیل نداشتن خودرو نمی توانند بخوبی از عهده این مهم بر آیند. همچنین واحد آبیاری برای کارشان خودرو ندارند و یا مینی بوس میروند همچنین کمبود ماشین آلات سنگین راهسازی داریم.

نکته دیگر اینکه، به علت نداشتن امکانات، سهمیه سیمان استان را از کارخانه صرفیان تبریز، بایستی تأمین کنیم با بخشنامه‌ای که در مرکز درست می کنند نمی گذارند سیمانی که باید از تبریز تأمین

شود (چرا که هم هزینه حمل آن کمتر است و هم در وقت صرفه جویی میشود) به این استان بیاید و میگویند باید از تهران برای شما سیمان ارسال شود! در اینجا لازم است که تأکید کنم، علیرغم همه این مشکلات، چون جهادگران برای رضای خدا کار میکنند، در کارشان سست نمی شوند

* اقدامات جهاد سازندگی برای تأمین

آب کشاورزی روستائیان:

برادر کنشیمان مسول «کمیته آبرسانی» استان در این باره اظهار داشت:

بعد از انقلاب جهاد در جهت تأمین آب کشاورزی و آب شور اقدام کرده است از جمله برای کنترل ابهای سطحی اقدام به زدن آب بندهای انحرافی کرده است که بنظر من در سطح ایران از بایجن غربی در این زمینه یک مقدار بیشتر پیشقدم بوده است. جهاد چندین طرح آب بند انحرافی هم انجام داده که هم اکنون قابل استفاده است، تعداد آنها تقریباً در حدود بیست و اندی است و در آینده هم طرحهایی در این زمینه دارد که با همکاری سازمان آب این طرحها را انجام میدهد. باید این را هم بگویم که آب بندهای انحرافی بهترین وسیله برای کنترل ابها و استفاده از آنها در مقطع زمانی مناسب می باشد. در زمینه حفر و تجهیز کردن چاهها، در هر منطقه‌ای که کوهستانی نباشد (دشت باشد) و ابهای زیر زمینی کافی باشد، جهاد اقدام کرده و آنها را انجام داده که آمارش از ۴۰ تا بیشتر است. در رابطه با قنات هم جهاد شروع به لایروبی و تعمیر آنها کرده است و چون لایروبی و احیای قنات خرج کمتری دارد در رابطه با استقلال اقتصادی عمل مناسبی محسوب میشود. در ارتباط با آب شور، قبل از انقلاب تمام یا اکثر روستائیان مایل بودند که به شهر بروند و در آنجا سکونت کنند. از جمله دلایل مهاجرت روستائیان، عدم دسترسی به آب شور بوده است. آب شور از لحاظ بهداشت برای روستائیان بسیار حائز اهمیت است چرا که اینها را از ابتلا به امراض مختلفی مصونیت می بخشد، لذا جهاد در این زمینه هم از چشمه‌ها، ابهای زیر زمینی، ابهای سطحی و... ابها را به منابع زمینی یا هوایی رسانیده و اینها را لوله کشی و در اختیار کشاورزان و روستائیان قرار داده است این امر در ۳۵۰ روستا تقریباً بطور کامل انجام شده است.

بقیه در صفحه ۵۹

جهاد، فقر فرهنگی - اقتصادی روستائیان، اضمحلال ضدانقلاب ...

جهاد برای آینده طرحهایی در دست دارد که اب اشامیدنی تمام روستاهایی که فاقد آن هستند و جمعیت آنها کمتر از ۳۰۰ خانوار است تأمین نماید.

* آثار فعالیتهای جهاد سازندگی در منطقه:

برادر سعادت می گوید:

جهاد سازندگی با توجه به اینکه یک نظام اجرایی و مکتبی است و کلا به کارهای روستایی رسیدگی میکند و چون منطقه ما از لحاظ سیاسی و نظامی و مذهبی مسأله حادی دارد، جهاد تأثیرات بسزایی در تحول فرهنگ منطقه داشته است. در رابطه با از بین بردن پایگاه اجتماعی گروهکها در منطقه نیز فعالیتهای جهاد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. برای نمونه یکی از عناصر کومله در جواب جهادگر اسیری که سوال میکرده شما به چه علت ما را زندانی میکنید؟ جواب میداده که: «جهاد سازندگی کمر ما را شکسته و هرجا میرویم می بینیم جهاد می آید یک کاری می کند تمام آن فعالیتهای ما را خنثی میکند و از بین میبرد و مردم را به دولت راغب می کند تنها عاملی که توانسته این دولت را تا بحال حفظ کند فعالیتهای جهاد سازندگی بوده است. اگر ما تنها بانیاه، زاندارمری و ارتش طرف بودیم خوب می توانستیم

کار بکنیم و پیشرفت کنیم، ولی کارهای جهاد و احوال ما را برهم زده و پایگاه اجتماعی ما را از بین میبرد».

در رابطه با پشتیبانی از جبهه ها باید بگوییم تا قبل از استقرار ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی (قرارگاه حمزه سیدالشهدا) در منطقه، جهاد استان در رابطه با مسایل نظامی کار کرده، راههای سوق الجیشی زده حتی در سال ۶۰ جاده ای که اشرف به اشنویه داشت احداث کرد که این جاده در نهایت موجب ازاد سازی جاده اشنویه از دست دمکراتها شد و تأثیر زیادی در کارهای نظامی بعدی داشت.

* نقش جهاد سازندگی در جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهر:

مهاجرتی که در این استان می شود به دو قسمت قابل تفکیک هستند. یکی مهاجرتی است که به اجبار از اثر حاکمیت گروهکها و فئودالیتهایی که در اوایل انقلاب تاخت و تاز می کردند صورت گرفته و مخصوص مناطق کردنشین است و یکسری از مهاجرتهاست که مخصوص مناطق دیگری است (مناطقی که امنیت دارد). جهاد در رابطه با کسانیکه به اجبار مهاجرت کرده اند، با بنیاد امور مهاجرین جنگی همکاری نزدیکی داشته و در امر اسکان اینها کمک کرده است. بدیهی است مسایل دیگری نیز در

ارتباط با این دسته از مهاجرین وجود دارد که بایستی بوسیله وزارت کشور و استانداری با قوت و دقت رسیدگی شود.

همچنین نوع دیگری از مهاجرتها بوده که روستائیان دامهایشان را بجهت نبودن امکانات دامپریشکی به ترکیه منتقل میکردند. جهاد که این مسأله را یک شکست برای این منطقه میدانست وارد عمل شده و گروههای سیار دامپریشک حتی در دل گروهکها به واکسیناسین دامهای اینها مبادرت کردند. در نتیجه خود بخود از مهاجرت آنها جلوگیری بعمل آمد.

همانطور که گفته شد مهاجرتی نیز از مناطقی که امنیت هم دارند صورت می گیرد. دلیل اصلی این هجرتها نداشتن امکاناتی از قبیل: آب، بهداشت، حمام و مدرسه ... است که در جهت رفع این نارسائیهاجهادکارهای مؤثری داشته است. روستاهای زیادی به برکت کار جهاد از برق برخوردار شده اند، همچنین روستاهایی که فاقد آب بوده اند توسط جهاد بوسله تانکر به آنها آب رسانیده ایم ... البته بایستی در جهت فراهم کردن امکانات رفاهی برای روستائیان کارهای زیادی انجام شود، البته میدانید که تعداد روستاها زیاد است و امکانات بسیاری هم میخواهد که جهاد در امکانش نیست ولی نهایت سعی خود را مبذول داشته تا از این مهاجرتها جلوگیری شود.

خودشناسی اساس و محور اخلاق در اسلام ...

معنوی دیگری نیز وجود دارد.

آیا واقعا افراد یک خانواده، که با یکدیگر زندگی می کنند اگر در مالکیت اشتراک داشته باشند دیگر من و ما بطور کلی از میان خواهر ها و برادرها از بین می رود؟ یا خیر، و چیزهای دیگری مانند مقام و غیر ذلک نیز هست که آنها هم من و ما ایجاد می کنند؟ مگر آیا در یک جامعه اشتراکی مال و ثروت را بلا اشتراک و بالتساوی تقسیم می کنند؟ حرفش را می زنند اما عمل نمی کنند. مقام و پست و شهرت و - محبوبیت و قدرت هم آیا بالتساوی تقسیم می شود؟ آیا واقعا فلان کارگری که در فلان کارخانه

فولاد سازی کار می کند و فقط یک نان بخور و نمیر به او می دهند، همان قدرت را دارد که مثلا بر ژرف دارد؟ آیا برای بشر قدرت اساس نیست و در حالیکه انسان ثروت را فدای قدرت می کند آیا اینها موهبت نیست و هزاران موهبت دیگر که نادیده گرفته شده است؟ گذشته از این موهبتهای مادی در ارزشهای اخلاقی انسان، یک سلسله ارزشها است که با اشتراک جمعی هم جور در نمی آید.

مانند اینکه انسانی در جنگ، خود را فدای انسانهای دیگر بکند و یا آنکه در برابر یافتن حق، انصاف بدهد نسبت به انسانهای دیگر. اینها فردی

است و نمی تواند جمعی باشد. بنا بر این از نظر اسلامی ریشه و اساس تمام احساسهای اخلاقی، احساس کرامت و شرف و عزت و عظمت و قدرت، همه و همه خود واقعی انسان و همان نفخه الهیه، نفخت فیه من روحی می باشد.

انسانهای کامل در اخلاق از دیدگاه اسلام انسانهایی هستند که خود را بهتر از دیگران شناخته اند و شرف و کرامت را در ذات خودشان بیشتر از دیگران احساس کرده اند.

(ادامه دارد)